

عدالت جنسیتی

ترجمه
آیدین فرنگی
اجتماعی پیوندی تنگاتنگ دارد.البته به همان اندازه که ارتقای میانگین سطح آموزش در هر کشور دارای اهمیت

بالایی است، توزیع عادلانه آموزش بین ساکنان آن سرزمین نیز مهم تلقی می‌شود. در جهان امروز سهم دختران و زنان از فرصت‌های آموزشی، بسیار کمتر از پسران و مردان است و نابرابری‌های مبتنی بر تفاوت جنسیتی همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. تقویت موقعیت زنان در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیازمند بهره‌مندی آن‌ها از حقوق، فرصت‌ها وامکانات برابر است.بهبود دسترسی زنان به آموزش، فقط به پیشرفت و رفاه فردی زنان منجر نخواهد شد؛ بلکه پتانسیل اقتصادی کشور را نیز افزایش خواهد داد.اکنون ثابت شده سرمایه‌گذاری روی آموزش و پرورش دختران و زنان، در کنار فواید بسیار اجتماعی و اقتصادی برای آنان، یکی از بهترین شیوه‌های دستیابی کشور به پیشرفت اجتماعی و رشد اقتصادی است.در عرصه جهانی توجه جدی به مقوله آموزش، برای تحقق پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و ریشه‌کنی فقر اهمیت بسیاری دارد. کشورهایی که مردم آن از سطح تحصیلی بالاتری برخوردارند، گام‌های بلندی نیز در راه توسعه برداشته‌اند.آن چنان‌که پیش‌تر گفته شد، به اندازه‌ای که ارتقای میانگین سطح تحصیلات عمومی دارای اهمیت است، توزیع عادلانه آموزش نیز اهمیت دارد.وجود تبعیض‌های مبتنی بر تفاوت جنسیتی، یکی از اصلی‌ترین موانع در مسیر کسب آموزش به حساب می‌آید.اگر این مانع برطرف نشود، بسیاری از انسان‌ها نخواهند توانست از فرصت‌های برابر آموزشی برخوردار شوند. هر چند در بسیاری از کشورها پسرهای زیادی هم از فرصت تحصیل بهره‌مند نیستند، اکثر کودکان و جوانانی که از امکان ادامه تحصیل محروم می‌مانند، دخترند. دسترسی به آموزش یک حق بشری است و از سوی دیگر، آموزش وسیله‌ای است برای تحقق عدالت، پیشرفت و صلح‌ثنو تبعیض در زمینه‌های آموزشی علاوه بر سودرسانی مستقیم به دختران و پسران، گامی است مهم برای رسیدن به مناسبات برابر بین زنان و مردان. باسوادی زنان شاه‌کلید حفظ پهداشت خانواده، ارتقای میزان تربیت فرزندان و جامعه‌پذیری آن‌هاست.سطح پایین‌تر آموزش زنان در مقایسه با مردان، یکی از ویژگی‌های اصلی جوامع کمتر توسعه‌یافته محسوب می‌شود. در کشور های در حال توسعه نیز تبعیض جنسیتی در حوزه آموزش به‌وضوح و در ابعاد گسترده قابل مشاهده است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد بین سطح آموزش زنان، کیفیت فعالیت‌های اقتصادی و سطح اشتغال آنان رابطه معناداری وجود دارد. هر چه سطح آموزش بالاتر باشد، میزان اشتغال نیز بالاتر می‌رود.اما موانع موجود در مسیر تحقق فرصت‌های برابر آموزشی برای زنان و مردان چیست؟ شرایط خلوات‌گی، هنجارهای فرهنگی و نگرش نهادی‌های اجتماعی و سیاسی، مهم‌ترین عوامل دخیل در این مساله هستند. استعمار هنجارها و ارزش‌های سنتی دربراه نقش زنان، باعث کاهش حضور آنان در محیط‌های آموزشی می‌شود. از آن‌جا که در جوامع سنتی مناسب‌ترین نقش برای زنان «همسری» و «هداری» است، دختران بسیاری بدون کسب آموزش و تحصیلات لازم، وارد زندگی زناشویی شده و چیه‌دار می‌شوند. این دختران مورد احترام و پذیرش همان جامعه نیز قرار می‌گیرند. در چنان شرایطی زنی که فرزندان بیشتری به دنیا آورده باشد، از شان اجتماعی بالاتری برخوردار می‌شود.اما در زمینه‌های آموزشی، اجتماعی و اقتصادی هیچ افتقی برای این زنان قابل تصور نیست. کمبودن در آمد خانواده یا به بیان دیگر وجود مشکلات اقتصادی، یکی دیگر از علل محروم‌ماندن دختران از تحصیل به حساب می‌آید؛ زیرا خانواده به دلیل ناتوانی از تامین هزینه تحصیل تمام فرزندان، ناگزیر باید تصمیم‌گیرند که کدام یک از فرزندان می‌تواند از شانس ادامه تحصیل برخوردار شود و به این ترتیب فرصت تحصیل به نام فرزندان پسر رقم می‌خورد. کار کودکان هم به‌عنوان یکی از تبعات فقر، مانع دیگری است در مسیر آموزش. دخترها با انجام کارهایی مثل خانه‌داری، نگهداری از خواهران و برادران کوچک‌تر و انجام کارهای مزرعه، در واقع به کارگران بدون مزدی تبدیل می‌شوند که ناگزیر باید از محیط‌های آموزشی دور بمانند. در نواحی کمتر توسعه‌یافته که میانگین تحصیل در آن‌ها پایین‌تر از سایر بخش‌های هر کشور است، خانواده‌ها اهمیت کمتری برای مقوله‌های آموزشی و تحصیلی قائلند و به این ترتیب آموزش نسل جوان نیز چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در بخش‌هایی هم که پراکندگی جمعیت بالا است، به دلیل دوربودن مدرسه از محل زندگی و کمبود امکانات حمل‌ونقل، کودکان فرصت بهره‌مندی از امکان تحصیل را از دست می‌دهند و در این میان دختران بیشتر از پسران از ادامه تحصیل باز می‌مانند.اعمال تبعیض‌های آموزشی علیه زنان، اقدامی است علیه عدالت اجتماعی. از طرف دیگر نباید از نظر دور داشت که طبق پژوهش‌های به عمل آمده، در کشورهای در حال توسعه سود حاصل از آموزش زنان، بسیار بیشتر از سود ناشی از آموزش مردان بوده‌است. همچنین ارتقای سطح آموزش زنان موجب کاهش آمار ازدواج‌های زود هنگام می‌شود و میزان زادوولد را نیز کاهش می‌دهد. از همین‌رو آموزش زنان گامی است موثر برای داشتن فرزندان سالم‌تر و تربیت‌پذیر تر. مادرانی که از آموزش‌های بهتری بهره برده‌اند، روی سلامت و تربیت کودکانشان دقت بیشتری می‌نودل می‌دارند و نسلی سالم‌تر را تحویل جامعه می‌دهند. علاوه بر این‌ها ارتقای آموزش زنان باعث خواهد شد زنان از سطح کارگران ساده مزرعه‌ها و کارخانه‌ها، به سطح‌های بالاتر کاری ارتقا یابند.

منبع:academia.edu*

کودکان گدای خیابانی

خیابان از معدود پدیده‌هایی است که عادلانه توزیع می‌شود، حاشیبه و متن ندارد، در خیابان ما همانی هستیم که می‌خواهیم و می‌توانیم پشت نقابی، از ظاهر آراسته پنهان شویم، بی‌آن‌که کسی به عمق مانفوذ کرده و حقیقت را به روی‌مان بیآورد. در خیابان به‌طور کلی طبقه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فرد پنهان می‌شود و ادبیات خیابانی، زبانی یکسان است که مملو از جملات کوتاه، عریان و گاه هجوآمیز است. زبانی که با استفاده از آن می‌توان ناموختگی و کم‌دانشگی خود را پنهان کرد. حالا «خیابان بلند» فرضی را در نظر بگیرد که در آن تمام امکانات یک شهر موجود باشد و مردم هم قشر و گروهی در آن حضور داشته و تمام اتفاقات دنیا در این خیابان بلند می‌افتد. یک روزنامه‌نگار در این خیابان بلند مشغول قدم‌زدن است و هر روز با پدیده‌ای روبه‌رو می‌شود که این ستون روایت عبور او از این خیابان بلند است.

وقتی در خیابان بلند قدم می‌زنی، اولین چیزی که توجه را به خودش جلب می‌کند کودکانی هستند که در گوشه‌وکنار به چشم می‌خورند. این کودکان چهار دسته‌اند. یک عده همراه والدین خود آمده‌اند، یک دسته عابردن و عبورشان به این خیابان افتاده، این دو دسته می‌آیند و می‌روند بی‌آن‌که نفع‌دهی کنی و کی رفتن داشته باشند و بی‌آن‌که… اما دو گروه دیگر آمده‌اند تا لقمه نانی به کف آورند، گروهی با گدایی و دسته دیگر با فروش چیزی به عباری. کودکان کنار خیابان بلند، نشسته و با عبور هر رهگذری حق‌گربه‌اش بلندتر می‌شود و زمانی که کسی نمی‌آید خودش را با تکه چوبی که در دست دارد، سرگرم می‌کند. این جادو خیابان بلند، گدایی نوع رایجی از کسب در آمد شده که بیشتر کودکان زنان و زنان ابران آن شده‌اند در حالی که بر طبق قانون، استفاده ازبازی از زنان و کودکان حتی در بلندآند، به همراه کسی که خود را پدر یا مادر آن‌ها معرفی کرده و ادعای می‌کند گدایی است. برای خرج در مان یاسیر کردن او است. کودکان بیشتر نمی‌دانند برای چه آمده‌اند زیرا با دارو یا ماده مخدری آرام گرفته‌اند تا مردم بیشتر دلشان بسوزد. جسته‌گریخته آماری از کودکان نوزادی که برای گدایی کرایه داده می‌شوند، به گوش می‌رسد؛ کودکانی که باید در سرما و گرما در کناری آرام بگیرند، تا کسی که آن‌ها را آورده، پولی جمع کند و بعد سهم والدین کودک را بپردازد. این کودکان همان افرادی هستند که در پنج یا شش سالگی، کف آمار سن اعتیاد می‌شوند، چرا که خود را پدر یا مادر آن‌ها معرفی کرده و ادعای می‌کند گدایی است. حالا باید صرف کنند تا زنده و سر بیاینند.

مهم‌ترین چیزی که دلیل گدایی در خیابان بلند شده فقر و بیکاری است ولی آن چه بیشتر در رفتار گدایان دیده می‌شود، دروغ گویی است و تلاش برای فریب عابرانی که بخشی از آن‌ها دارایی بیشتری دارند و جریان زندگی‌شان تکرار ماجرای صورت مسخ و سیلی است. این شرایط خیابان بلند فرضی است هر چند بنابر همه شواهد با خیابان‌های طبیعی ما یکسان است.

جامعه

شنبه ۷ بهمن ۱۳۹۱

در گذشته ایران جزو کشورهای با آمار پایین خودکشی قرار

داشت اما هم‌اکنون در گروه کشورهای با نرخ متوسط خودکشی قرار دارد و حتی در برخی از شهرهای کشور میزان خودکشی همردیف جوامع با نرخ بالای خودکشی شده‌است. در این بین استان ایلام از جمله شهرهایی است که همواره دارای بیشترین نرخ خودکشی به‌خصوص در میان زنان بوده به طوری که این موضوع به بحران اجتماعی نگران‌کننده‌ای تبدیل شده‌است. هر چند آمار دقیقی از میزان ثبت خودکشی در دست نیست، اما بنا بر تحقیقات صورت گرفته، در برخی از ماه‌ها، مرگ چهار نفر در سطح استان در طول هفته به دلیل خودکشی رخ می‌دهد. به گفته دکتر جعفر شرفخانی، جامعه‌شناس و مدرس دانشگاه ایلام، اگرچه عوامل کلان اقتصادی - اجتماعی سهم به‌سزایی در بروز و شیوع خودکشی دارند و به سادگی امکان اصلاح و کنترل آن‌ها وجود ندارد، اما می‌توان با تدوین و اجرای برخی برنامه‌های سلامت روان از شدت رنج‌ها کاست و جامعه را برای مواجهه با زندگی سخت و دشوار آماده‌تر کرد. ضمن این‌که نگاه منطقه‌ای به این موضوع برای شناسایی دلایل وقوع خودکشی و همچنین استفاده از متخصصان روان‌شناسی و روانپزشکی و اعزام آنان به این مناطق برای شناسایی افراد در معرض خطر ضروری است. در این‌باره با دو گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

بهتر است در ابتدا تعریفی جامع‌شناختی از مفهوم خودکشی ارائه کنید تا با پیش‌زمینه بهتری وارد بحثمان شویم.

حتما، خودکشی (suicide) از دو جزو sui به معنی خود و cide به معنی کشتن ترکیب شده‌است و در مفهوم عام عبارت است از: عملی که شخص علیه حیات خویش انجام می‌دهد که معمولاً خودکشی به اشکال خودکشی انجام‌یافته(عملی‌انهدمی که منجر به مرگ می‌شود)، اقدام به خودکشی و (خودکشی) ناموفق یا ریسخت خودکشی و افکار خودکشی) و تمایل به خودکشی (جنبه عملی به خود نگیرد و تظاهر می‌کند) است اما در تعریف جامعه‌شناسی از خودکشی باید گفت که خودکشی قبل از آن‌که یک پدیده فردی باشد یک پدیده فرهنگی و اجتماعی است یا به‌عبارت دیگر یک آسیب اجتماعی محسوب می‌شود و دلایل آن را باید در ساختار و مناسبات اجتماعی جست‌وجو کرد.به این ترتیب می‌توان گفت که خودکشی محصول فشار ساختار اجتماعی بر فرد و واقع رفتارهای فرد بازتابی از ساختار و مناسبات اجتماعی هر جامعه‌است.

آیا در ایران رابطه و تفاوتی میان نرخ خودکشی و جنسیت افراد وجود دارد؟ اگر وجود دارد به نظر شما علت این تفاوت در چه چیزهایی است؟

بله، در ایران زنان بیشتر از مردان اقدام به خودکشی می‌کنند ولی میزان خودکشی موفق در مردان بیشتر از زنان است. در واقع این روند یعنی رابطه میان جنسیت و خودکشی در روند جهانی تبعیت می‌کند. در مورد بخش دوم سوال باید بگویم

که علت این اختلاف را می‌توان در شیوه‌های استفاده مردان و زنان از ابزارها و وسایل خودکشی دانست چراکه مردان از وسایل خشن‌تری که منجر به مرگ حتمی می‌شود استفاده می‌کنند مثل خودزنی با اسلحه، خودزنی با چاقو، حلق آویز کردن و پر تاب خوداز ارتفاع در حالی‌که زنان به روش‌هایی مانند مسمومیت باقرص و سم که میزان مرگ در آن‌ها پایین است دست می‌زنند. به همین خاطر است که میزان اقدام به خودکشی در زنان بیشتر از مردان است ولی مردان بیشتر از زنان در اثر خودکشی می‌میرند. البته این معادله در استان ایلام صدق نمی‌کند به دلیل این‌که ۹۰درصد زناتی که خودکشی می‌کنند به وسیله خودسوزی دست به این اقدام می‌زنند که درصد بالایی از آنان از بیسن می‌روند بنابراین نتایج تحقیقات به‌دستا آمده در این استان با روند حاکم بر میانگین نسبت خودکشی و جنسیت در کشور و جهان مطابقت ندارد.

به نظر شما فقر اقتصادی می‌تواند عامل مهمی در خودکشی افراد جامعه ما تلقی شود؟

قطعاً، فقر اقتصادی به عنوان یکی از فاکتورهای تاثیرگذار در اقدام به خودکشی مطرح است. البته در بررسی عوامل موثر در پدیده خودکشی می‌توان به مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از جمله اختلافات و خشونت‌های خانوادگی، ازدواج‌های اجباری، فقر اقتصادی، بر ملا شدن حقایق، سوءاستفاده‌های جنسی، از دست رفتن آبرو و حیثیت، فشارهای روانی و روحی، تمایلات شدید عاطفی، اعتیاد، استفاده از مواد توهم‌زا و… اشاره کرد. فقر اقتصادی در کنار سایر عوامل می‌تواند نقشی موثر داشته باشد.

خودکشی در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید و بیشترین آمار سرانه خودکشی متعلق به کدام



گفت‌وگو با جعفر شرفخانی، جامعه‌شناس و مدرس دانشگاه در ایلام

فریاد زنان در آتش مشکلات خاموش می‌شود

کمترین میزان خودکشی را داشته‌اند.
به نظر شما علل بالا بودن نرخ خودکشی در غرب کشور تا این حد چیست؟ آیا عوامل فرهنگی تربیتی مردم این نواحی در این زمینه نقشی دارد؟

در بررسی نتایج تحقیقات گذشته نمی‌توان به پدیده تک‌عاملی در این مناطق اشاره کرد بلکه مجموعه‌ای از عوامل از قبیل بیکاری، فقر، اختلافات خانوادگی، بحران هویت، اعتیاد و شرایط خاص در حال گذار در افزایش نرخ خودکشی این منطقه دخیل هستند. ارزش‌های فرهنگی عامه و ساختار مذهبی اخلاقی جامعه نیز در شیوع خودکشی دخیل هستند. **راه‌ها و شیوه‌هایی که معمولاً این افراد برای خودکشی استفاده می‌کنند چه چیزهایی است؟ مثلاً چرا گاهی دیده می‌شود افراد بیشتر به خودسوزی روی می‌آورند؟**

در مناطق غرب کشور زنان به طور عمده به خودسوزی، حلق آویز کردن خود، خوردن قرص یا سم متوسل می‌شوند در حالی‌که مردان بیشتر به مواردی که قبلاً ذکر کردم دست به خودکشی می‌زنند. در مورد علل روی آوری زنان این مناطق به خودسوزی، به نظر می‌رسد متاثر از چند عامل باشد. در واقع آن‌ها می‌خواهند با این کار مظلومیت خود را با استفاده از جزا آورترین شیوه نشان دهند. دلیل دیگر در دسترس بودن مواد مورد استفاده از جمله نفت برای زنان این مناطق است و دلیل آخر معمول شدن این روش و استفاده از تجربیات دیگران در اطراف خویش است.

چایگاه دو مقوله تقلبسد و خودنمایی را در خودکشی‌های مردم ناحیه غرب کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟

متغیر تقلید در خودکشی بی‌شک موثر است

به این معنی که افرادی که دارای تجربیات مختلف مشترک که هستند با الگوپذیری از یکدیگر تحت تاثیر قرار می‌گیرند و از یکدیگر تقلیدمی‌کنند. اگر فرد دارای پیشینه مشترک شغلی یا اجتماعی با افراد خودکشی‌کننده باشد در برخورد با مشکلات مشابه به احتمال بیشتر خودکشی را راه‌حل انتخاب می‌کند و از افراد خودکشی‌کننده الگو می‌گیرد. البته نباید از نظر دور داشت که تقلید صرفاً بین گروه‌های کوچک و محدود در یک جمعیت رخ می‌دهد. این گروه‌های کوچک ممکن است بحران زده و مصیبت‌زده باشند یا در زمینه‌های شغلی شکست‌خورده و به یک اندازه در معرض انگیزش ارتکاب به خودکشی قرار داشته باشند. در این شرایط احتمال این‌که تقلید بتواند با توجه به این عوامل میانجی در ارتکاب به خودکشی تاثیر بگذارد بیشتر است. در مورد خودنمایی فکر کنم بیشتر در شرایط خاصی از جمله جنگ و موارد مشابه صورت می‌گیرد که همان نوع دیگر خواهانه خودکشی از نگاه دورکیم جامعه‌شناس است که طرف بدون دلیل یا انگیزه خاص و صرفاً به‌خاطر تقلید از دیگران این کار را انجام می‌دهد.

آیا راهکاری برای تنزل نرخ خودکشی در غرب کشور وجود دارد؟ لطفاً بفرمایید راه‌اندازی مراکز مددکاری اجتماعی همچون اورژانس اجتماعی و… تا چه حد می‌تواند در پایین آوردن نرخ خودکشی موثر باشد؟

جامعه همچون ارگانیسم بدن انسان که به بیماری‌هایی دچار می‌شود، دارای بیماری‌هایی است که تحت عنوان کج‌رفتاری ظهور می‌کند و همان‌طور که بیماری‌های جسمی را می‌توان شناخت و تشخیص داد و در نهایت درمان کرد، بیماری‌های اجتماعی جامعه را نیز می‌توان شناسایی کرد، تشخیص داد و درمان کرد. لازمه آن دقت در شناخت نوع کج‌رفتاری و سپس اقدام به موقع و مناسب و متناسب برای درمان است. به قول جامعه‌شناسان اوضاع اجتماعی، فرهنگ، تمدن و ساختار اجتماعی در ارتکاب جرایم و انحرافات موثر است و نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. از بین بردن عواملی از قبیل فقر و نابرابری، بیکاری، بی‌سوادی، تبعیض، نارضایتی شغلی، بی‌عدالتی، توزیع نابرابر و غیرعادلانه ثروت، رانت‌خواری، تورم و… می‌تواند در کم کردن یا تقویت عواملی که پدیده خودکشی موثر باشد. البته به قول جامعه‌شناس معروف سسی رایت میلز از بین بردن موارد مذکور بدون اصلاح حاکمیت و صرفاً با تکیه بر توانایی‌های شخصی محقق نخواهد شد.

سخن آخر؟

شاید در میان مشکلات ریز و درشت اجتماعی در ایران، مثل اعتیاد و فحشا و طلاق، خودکشی رقم چندان چشمگیری نداشته باشد اما آمار خودکشی در بین زنان و جوانان ایران رو به افزایش است. به طوری که ایران هوشمین ملیت جهان است که در آن آمار خودکشی زنان در حال افزایش و پیشی گرفتن از آمار خودکشی مردان است، بنابراین این‌توجه نکردن به این‌معضل اجتماعی می‌تواند عواقب خطرناکی را برای جامعه به همراه داشته باشد.

بوده‌اند و فقط این شرایط بوده که خود را بر آن تحمیل کرده و آن‌ها را از صراط مستقیم منحرف کرده‌است.

سوال این است آیا اگر هم‌حله‌ای‌ها، بستگان و مسئولانه، همان‌هایی که برای تماشای مراسم اعدام آمده بوده‌اند و آن‌هایی که نیامده بودند، نسبت به سر نوشت ایشان مسئولان برخورد می‌کردند آیا امروز باز هم سسر علیزسا و محمدعلی بالای دار می‌رفت؟ چرا فکر می‌کنیم همه مسئولیت‌ها به‌دولت برمی‌گردد؟ چرا، جایگاه عظیم اجتماع غلطیم؟

در متنی در اسلام، به حق‌الله، حق‌الناس و حق‌النفس قائل است و اصول اعتقادی او متشکل از عقل، فطرت و وجدان و ضمیر روشن است. توجه او به مسائل حرام و حلال، پرهیز از گناهان و انجام صواب همه شیوه‌هایی هستند که زندگی فردی و جمعی او را شکل می‌دهد. در عصر حاضر، جوامع مختلف می‌کشوند تا از طرق گوناگون «خودکنترلی» را در جامعه خود محقق کنند. برخی از این جوامع بر بیاد کردن وجدان فردی اهتمام می‌ورزند و برخی دیگر می‌کشوند تا از طرق تقویت احساس ملیت‌خواهی و میهن‌دوستی، افراد را خود کنترل کنند، اما تمامی این روش‌ها به علت نارسایی و محدودیت‌های موجود تاکنون موفقیتی تام نداشته‌اند. درحالی‌که همان‌طور که اشاره‌شد زمینه‌های اعتقادی اسلام بهترین بستر را برای خودکنترلی فراهم می‌آورد و بر مدیران مسولیت‌ها، که بگویند تا با هدایات و ارشاد افراد بهترین نتیجه را از این موهبت الهی حاصل کنند. به عبارت دیگر، در برخورد با بسیاری از معضلات، از جمله آسیب‌های اجتماعی و مقوله امنیت، به جای ارزیابی عملکرد در مدیریت عملکرد پرداخته می‌شود؛ در حالی‌که جامعیت و پیوستگی مسائلی شهری ایجاب می‌کند که ابعاد گوناگون فعالیت‌های سازمان‌های مختلف به همراه هم دیده شوند. در جمع‌بندی می‌توان گفت یکی از علل اصلی افزایش آسیب‌های اجتماعی، از هر نوع آن، خصوصاً کاهش امنیت اجتماعی، هجوم فرهنگ بیگانه از طرق مختلف به‌سوی جوانان کشور است و برای مقابله با این پدایز از تمام امکانات موجود بهره گرفت و نباید شرایط طوری شود که تمام فلش‌ها به‌سوی پلیس و قوه قضاییه نشانه رود؛ مجلس شورای اسلامی شهر، شورای صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلام، سازمان بهزیستی، شهرداری، دانشجویان، نویسندگان و اصحاب هنر، شورابوری‌ها، مسجد، دانشگاه، عموم نوبندگان در این‌باره وظیفه دارند و باید به وظایف خود عالم باشند. نمی‌توان گفت مشکل آن قدر بزرگ است که نمی‌شود آن را حل کرد. قاعده این است: مشکلات هر قدر عظیم باشند از راه‌آسان‌که تا‌کنون مخلوقات خداوند است بزرگ‌تر نیستند و همان‌طور که تاکنون انسان توانسته بر مشکلات فراوان زندگی فائق آید آن‌شاهلله در سایه تعامل و برورد بازمی‌رشد شهر ما، تهران، هم احساس امنیت را خواهد داشت.

***شورایار منطقه ۱۸**

همه ما مسئولیم

حقوق مردم و نمایش آن در رسانه‌های همگانی است؟
آیا این کار خود یک مسئله جدید و معضل تازه اجتماعی نمی‌آفریند؟

پنجپدیده تر شدن جرائم اجتماعی

چندی پیش انتشار تصاویری از یک صحنه زورگیری در سایت‌های اینترنتی وکنش‌های مختلفی را در پی داشت که با اجرای حکم اعدام برای دو مجرمان در سحرگاه یکشنبه ۱۳۷۱/۱۱/۹ در ملا عمار پرونده آن بسته شد.

«تورو به ابوالفضل، تورو به ابوالفضل، آب، آب…»، «سلام بر حسین»، «شهدان لاله‌الی الله و اشهدان محمد رسول الله»، «خطاب رس و سفت‌تر کن»، این‌ها آخرین کلماتی بود که زورگیر ۱۹ساله لابه‌لای بهت‌وحیرت و گریه‌های بدون اشکش قبل از اعدام به زبان آورد. جوانی که اولین سلسافه کبفری آخرین روز سابقه‌اش شد. «شاید اگر فناوری این‌قدر پیشرفت نمی‌کرد که بتواند تصاویر را در جای‌جای شهر ضبط کند این دو جوان به این راحتی به دست قانون گرفتار نمی‌آمدند. اما آیا توجه داریم که خشونت در برخورد با مجرمان می‌تواند خشونت در ارتکاب جرم را افزایش دهد؟ به‌قول قدیمی‌ها «آب که از سرگذشت چه‌کدوجب چه‌صد وجب» و به‌قول امروزی‌ها اگر فرد در اجتماع یک‌سگله نداشته باشد و تمام دره‌ها به روی او بسته شود، او دست به هر کاری خواهد زد و جامعه نباید با افراشد چنان برخورد کند که امیدکی به بازگشت به راه صواب نداشته باشند. در کل نباید کاری کرد که علاوه بر مال مردم، جان آن‌ها نیز در معرض خطر قرار گیرد.

اگر میان یک مجرم حرفه‌ای و سابقه‌دار با یک نوجوان که برای نخستین‌بار بر متکب جرم شده‌است فرقی نباشد و در همان ابتدا شمد مجازات برای او در نظر گرفته‌شود، گدشته از مباحث حقوقی و فقهی که از دایره اطلاعات نگارنده خارج است و باید صاحب‌نظران در‌مسور آن به قضاوت بپردازند، به عنوان یک شهروند که به موضوعات شهر آشناست و نماینده‌ای از افکار عمومی به‌شمار می‌آید، این احتمال را می‌دهم- که این‌گونه برخورد‌ها موجب خواهد شد که مجرمان با شیوه‌های پیچیده‌تر و خشن‌تر متکب خلاف شوند.

نقش فرهنگ دینی در اداره امور جامعه

فراموش نکنیم که ما در جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم و رسالتی عظیم به عهد داریم و آن اثبات کار آمدی دین در اداره امور جامعه‌است. نباشد که خدای‌ناکرده تحت‌تاثیر جوسازی‌های رسانه‌ای داخلی و خارجی قرار بگیریم و ناخوسته در مسیر اشتباه قدم گذاریم. هر بار که تصاویر جوانانی را در صفحه مطبوعات و تلویزیون به عنوان خلاقکار می‌بینیم تراحت می‌شویم و به